

این اعدام‌ها برای چیست؟

است. این آخرین تیر ترکش همه حکومت‌های سرکوبگر است که در آخرین روزهای حیات خود، به سوی مردم شلیک می‌کنند. آنان که از تخت فرو افتاده‌اند، نتیجه‌اش را دیده‌اند. اینان نیز طعم تلخ و زهر شکست را خواهند چشید. دستگاه ولایت همه راه‌ها را به روی مردم بسته است. راهی جز ادامه اعتراض و مبارزه باقی نمانده است. تمکین و حتی سکوت در برابر این گستاخی‌ها به تشدید اختناق خواهد انجامید. سکوت سران اصلاح طلب در برابر این اعدام‌ها، به تنگتر شدن محاصره آنان و سرکوبشان خواهد انجامید. حکومت می‌کوشد با ترندهای مختلف برفاصله آنان با مردم بیافزاید تا سرکوبشان سهل‌تر شود. راه مقابله و عقب نشاندن دستگاه ولایت، ایستادگی است و محکوم کردن مشخص اعدام‌ها.

جنبش مردم نشان داده است که به پیشروی خود ادامه می‌دهد. ۲۲ بهمن مردم دوباره بر خیابان‌ها حاکم می‌شوند و خواسته‌های خود را فریاد خواهند کرد. حکومت هرچه در چنجه داشته به کار انداخته است. در همین روز عاشورا مردم را با اتومبیل زیرگرفت، از بالای پل به پائین انداخت، گروه گروه و در ابعاد وسیع بازداشت و به زیر شکنجه برد، ترور کرد و... اما به‌رغم این همه خشونت و وحشیگری، امروز مقاومت و ایستادگی مردم ترس به جان دستگاه ولایت و سردمداران سپاه و وزارت اطلاعات انداخته است. بدون شک تهاجم بیشتر و شدیدتر به مردم، حکومت را با خونریزی درونی مواجه کرده و با شدت بیشتری به زیر خواهد کشید. قدرت سرکوب در گام نخست از طریق شکستن روحیه سران و سردمداران حکومت رخ می‌دهد. نفس استمرار جنبش مهم‌ترین عامل تضعیف و از دست رفتن روحیه حکومتیان خواهد شد. ۲۲ بهمن ضربه دیگری است که تیغ دستگاه سرکوب رژیم را کند و از کار خواهد انداخت. □

۸ بهمن ۱۳۸۸ - ۲۸ ژانویه ۲۰۱۰



گوشت و پوست خود لمس می‌کنند. مشکل سی سال سرکوب و اختناق است. مشکل دستگاه فاسد ولایت و در راس آن ولی فقیه است که سرمایه مردم را به باد داده و آشکارا رو در روی مردم دروغ می‌گوید و فریبکاری می‌کند. در چنین شرایطی، طبیعی است تا مردم پاسخی به مجموعه نابسامانی‌های خود نینهند، آرام نمی‌گیرند و به خانه باز نخواهند گشت. امروز مردم از هر مراسمی فرصت می‌سازند. هیچ مورد استثنائی هم در این هفت ماهه وجود نداشته است. از روز قدس و ۱۳ آبان و ۱۶ آذر گرفته تا مراسم یادبود منتظری و مهمتر از همه اینها، روزهای تاسوعا و عاشورا مردم به خیابان آمدند تا بگویند این دستگاه ولایت را نمی‌خواهیم. تا اعلام کنند دیگر تن به تبعیض نمی‌دهیم. مردم با حضورشان و طرح خواسته‌های خود به روشنی اعلام کرده‌اند که حکومت دینی نمی‌خواهند. سرکوب خشن مردم خصوصا در روزهای تاسوعا و عاشورا نتوانست مردم را آرام کند. ترس و واهمه به تدریج بر تن حکومت نشسته است. ۲۲ بهمن در راه است. دستگاه ولایت آخرین تیر ترکش خود را بر کشیده و فشار را در حدی که توانسته است افزایش داده است. از سوئی دستگیری کسانی را که فعال می‌پندارد، گسترش داده و از روزنامه نگار و نویسنده گرفته تا فعال سیاسی و فرهنگی را به زندان انداخته است و از سوی دیگر، احکام را سنگین‌تر کرده و اعدام‌ها را وسعت داده است.

هدف از این اعدام‌ها، مرعوب کردن فعالان جنبش مردم ایران است. با این عمل وحشیانه می‌خواهند به افراد موثر این جنبش، ظرفیت خونریزی حکومت را نشان دهند. به مردم نیز اعلام کنند که بهای حضور در تظاهرات آرام و اعلام نارضایتی از وضع موجود، یعنی مرگ. هم‌زمان نیروهای اصلاح طلب را برای تمکین زیر فشار قرار داده‌اند و با دسیسه‌های مختلف در نظر دارند آنها را به تسلیم بکشانند. افزون بر همه اینها، تهاجم و سرکوب و اعدام مردم توسط دستگاه ولایت، ناشی از ترس است. برای روحیه دادن به خود است. برای بالا بردن روحیه از دست رفته قوای سرکوبگر

امروز پنجشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۸۸، دو تن از هموطنانمان به نامهای محمدرضا علی‌زمانی و آرش رحمانی‌پور در زندان اوین تهران به دار آویخته شدند. احکام اعدام این دو، پیش از این صادر شده بود و پس از تأیید دادگاه تجدید نظر تهران، به اجرا گذاشته شد. چند روز پیش از این، مرتجعان حاکم، خدایار رحمت زهی شهنازی یکی از فعالان سیاسی فرهنگی بلوچ را نیز در زندان زاهدان به دار آویختند. افزون بر این، دادستان تهران دیروز اعلام نمود که ۹ تن دیگر از دستگیرشدگان تظاهرات روزهای تاسوعا و عاشورا به اعدام محکوم شده‌اند. اتهام آنها عضویت در سازمان مجاهدین خلق و انجمن پادشاهی ایران ذکر شده است. در کردستان نیز هم‌اکنون تعداد زیادی از فعالین سیاسی و مدنی کرد به اعدام محکوم شده‌اند. همچنین در زندان‌های بلوچستان نیز ۶ تن از هممیهن‌انمان منتظر اجرای حکم اعدام خود هستند.

در جمهوری اسلامی سابقه اعدام عمری به درازی خود حکومت دارد. این رژیم به دو دلیل همواره اعدام را ستوده و در دستور گذاشته است. نخست اینکه حکومت اسلامی به خشونت باور دارد و به قتل و شکنجه و سنگسار نگاه مثبت است. این رژیم با افتخار از قطع دست و پا سخن می‌گوید. چشم در برابر چشم را طبیعی می‌انگارد و اگر بنواند امروز هم انسان‌ها را زنده به گور می‌کند. با چنین باور و زمینه‌ای است که خشونت را یکی از راه حل‌های مشکلات اجتماعی می‌پندارد. جمهوری اسلامی با این نگاه مثبت به خشونت است که برای حل معضلات فرا روی خود، به قتل و تجاوز و شلاق رو می‌آورد. بنابراین، علت اصلی اعدام‌ها در جمهوری اسلامی این است که حکومت هم به خشونت اعتقاد دارد و هم آن را راه حل می‌پندارد.

اما دلیل اعدام‌های اخیر بیش از این‌ها است. دستگاه ولایت پس از آن تقلب بزرگ، به اشتباه محاسبه گرفتار شد. فکر می‌کرد که با مختنق کردن فضا، مردم را به خانه بازمی‌گرداند. اما مشکل مردم فقط انتخابات نبود، مشکل سی سال تبعیض و اجحافی است که مردم ایران از کرد و فارس و بلوچ گرفته تا آذری و عرب، با

صفحه ۴ <

بیانیه پنج نفر در پی تصفیه جناح مقابل، تضعیف جایگاه ولایت فقیه و کاهش اقتدار آن در صحنه سیاسی و برکنار کردن و یا حداقل کاهش اقتدار علی خامنه‌ای بوده و می‌کوشد تا با استفاده از روحیه رادیکال کنونی جنبش اعتراضی مردم، بدون آنکه سیمای آشتی‌جویانه‌ای با جناح حاکم به خود بگیرد، خواسته‌های رادیکالی که در شش ماه گذشته در قالب شعارهای مردم طرح شده است را بعنوان

مبارزه الزاما همه آنها متحقق نخواهند شد. آیا اصلاح طلبان بر روی دو میز بازی می‌کنند، یکی دست به سوی جناح حاکم دراز می‌کند و آن دیگر خود را در صف مردم جا می‌دهد؟ آیا علیرغم ادعای حمایت از مواضع «رهبران جنبش سبز در داخل کشور»، این پنج نفر خود را برای بعد از این «رهبران» آماده می‌کنند؟ به نظر می‌رسد که فرض اول به واقعیت نزدیکتر است. □

۱۹ دی ۱۳۸۸ - ۹ ژانویه ۲۰۱۰

خواسته‌های بهینه جنبش مردم ایران ارائه کند. در عین حال باید نقت داشت که هر دو بیانیه یک هدف را دنبال می‌کنند که همانا حفظ نظام جمهوری اسلامی است. و به همین دلیل از لغت بهینه، که در اینجا به معنی مطلوب آمده است، بهره گرفته‌اند. از نظر این پنج نفر، پنج ماده بیانیه میرحسین موسوی حداقل خواسته‌ها را بیان می‌کند، درحالی‌که با توجه به سطح جنبش مردم، ده ماده مورد نظر آنها خواسته‌های مطلوب جنبش کنونی است که طبعا در جریان